

# نقش سبک‌های یادگیری شناختی در آموزش حسابداری: بهبود مهارت‌های یادگیری

نویسنده: آنگوس داف  
ترجمه: علی رضا مهرآذین  
اعظم پوریوسف

## مقدمه

در دو دهه‌ی گذشته، بارها ضرورت بهبود مهارت‌های فردی و اجتماعی دانشجویان حسابداری در کنار آموزش‌های تخصصی، مورد تأکید قرار گرفته است. آگاهی و درک سبک‌های یادگیری و علایق ذهنی دانشجویان اساس پرورش مهارت‌های فردی آنان است. تعیین چارچوبی مناسب برای آگاهی یافتن و درک بهتر چگونگی وقوع یادگیری در فرآیند آموزش حسابداری به‌سادگی انجام‌پذیر نیست.

پیدایش بحث سبک یادگیری (شناختی) به بیش از چهار دهه‌ی قبل بازمی‌گردد. ویتکین و اچ (Witkin & Aseh, 1948) در این راه پیشگام بودند و شواهد تجربی در خصوص تأثیر تفاوت‌های فردی بر راهبردهای پردازش اطلاعات را گزارش کرده‌اند. این شواهد با آنچه پیش‌تر توسط برخی پژوهشگران به‌عنوان "سبک یادگیری شناختی" مورد اشاره قرار گرفته بود همخوانی دارد (ویتکین و همکاران ۱۹۷۷). کسانی که از سبک یادگیری شناختی در آموزش حسابداری استفاده کرده‌اند، سه زمینه‌ی اصلی را برای کاربرد آن در نظر گرفته‌اند:

(۱) افزایش اثربخشی آموزشی،

(۲) تشخیص تفاوت‌های میان گروه‌های دانشجویی، و

(۳) پیش‌بینی مشاغل اصلی مورد توجه دانشجویان.

اهداف اصلی مقاله‌ی حاضر، عبارت‌اند از: (۱) ارائه‌ی کلیاتی از سبک



یادگیری شناختی، (۲) مقایسه‌ی دو مدل نظری که در آن‌ها سبک یادگیری شناختی به‌عنوان متغیر متداخل مورد توجه قرار گرفته است، (۳) ارائه‌ی چارچوبی برای درک روابط بین نظریه‌ها و رویکردهای رقیب. (۴) شناسایی و توصیف ابزارهای اندازه‌گیری مرتبط و ارائه‌ی اطلاعاتی در مورد ویژگی‌های روان‌سنجی آن‌ها، (۵) توصیف کاربردهای سبک یادگیری شناختی در پژوهش‌های در تحقیقات آموزش حسابداری، و (۶) توصیف کاربرد نظریه‌ها و ابزارهای پژوهش‌های آموزش حسابداری و پیشنهاد محورهایی برای انجام تحقیقات در زمینه‌ی سبک یادگیری شناختی.

در این راستا، مقاله از سه بخش تشکیل شده است. در بخش نخست: دو مدل نظری که در آن‌ها تأثیر سبک یادگیری شناختی مورد توجه قرار گرفته، توصیف شده است. در بخش دوم، مدل‌های سبک یادگیری شناختی به دو گروه مدل‌های پردازش شناختی اطلاعات و رویکردهای یادگیری دانشجویان تفکیک شده‌اند. در این بخش، خلاصه‌ای از تحقیقات مرئیان و استادان حسابداری که در آن‌ها از سبک یادگیری شناختی استفاده شده است ارائه می‌شود و زمینه‌هایی برای انجام پژوهش‌های بیشتر معرفی می‌شوند. سرانجام، در بخش سوم، آثار به کارگیری سبک یادگیری شناختی توسط مرئیان و استادان حسابداری بحث و بررسی می‌شود.

## منابع نظری مدل‌های سبک‌های یادگیری شناختی

بنیان پژوهش‌های سبک‌های یادگیری شناختی بر دو مدل متفاوت قرار گرفته است. نخستین مدل، که توسط فرنهام (Furnham) (۱۹۹۵) معرفی شده است؛ سبک یادگیری شناختی را به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده‌ی اصلی و قوی برای بررسی رابطه‌ی میان شخصیت، یادگیری، حافظه و موفقیت‌های تحصیلی در نظر می‌گیرد (نمایشگر ۱). تحلیل فرنهام مبتنی بر سه مورد است. نخست، شخصیت و هوش متغیرهای پیش‌بینی‌کننده‌ی مستقل اندازه‌گیری متغیر وابسته‌ی موفقیت تحصیلی هستند. دوم، شخصیت و هوش می‌توانند سبک یادگیری شناختی را پیش‌بینی کنند و سبک یادگیری شناختی، خود متغیر تعدیل‌کننده‌ی موفقیت‌های تحصیلی است. سوم، روش‌های تدریس و ارزیابی متغیرهای مستقلی هستند که با سبک یادگیری شناختی همبستگی دارند و در این وضعیت روش‌های تدریس و ارزیابی ممکن است با سبک یادگیری شناختی مورد انتخاب افراد تطابق داشته (نداشته) باشد. مهم‌تر این‌که پژوهشگران استفاده‌کننده از این مدل کوشیده‌اند از روانشناسی شناختی به کشف این مقوله برسند که در هنگام پردازش اطلاعات توسط دانشجویان، چگونه یادگیری رخ می‌دهد؟



## استادان حسابداری

### باید بدانند

### کیفیت یادگیری به‌طور مستقیم

### تحت تأثیر رویکردهای

### یادگیری دانشجویان است و

### بهبود رویکردهای یادگیری دانشجویان

### نیز مستلزم آگاهی از

### همبستگی یادگیری و

### سبک آموزش است

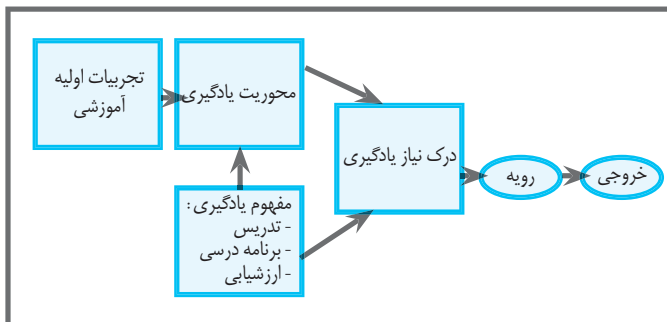
مدل دوم به توصیف مدل یادگیری یک درس توسط دانشجو می‌پردازد که مبتنی بر سه مرحله‌ی آگاه شدن، پردازش و محصول است. بنابراین به مدل سه مرحله‌ای معروف شده است (نمایشگر ۲). این مدل، طرز تفکر روانشناسان آموزشی را نسبت به رویکردهای یادگیری دانشجویان که در ادامه‌ی این مقاله مورد بحث قرار می‌گیرد بیان می‌کند. محققان رویکردهای یادگیری دانشجویان بر این عقیده‌اند که یادگیری مبتنی بر زمینه‌ی یادگیری است و فرآیندی از پایین به بالا (از جزء به کل) دارد. آنان نظری متفاوت با پیشینیان دارند و از نظریه‌های قبلی ارائه شده در مورد فرآیند یادگیری از سوی فرنهام و طرفدارانش را که عقیده دارند یادگیری فرآیندی از بالا به پایین است انتقاد می‌کنند. مدل‌های سبک یادگیری شناختی مورد استفاده‌ی طرفداران فرنهام مبتنی بر افراد هستند، در حالی که طرفداران مدل سه مرحله‌ای و رویکردهای یادگیری دانشجویان بر این باورند که مدل‌هایشان مبتنی بر نظریه‌های منطقی تبیین‌کننده‌ی چگونگی رخداد یادگیری در یک موقعیت آموزشی (برای نمونه، کلاس درس یا یک همایش) است.

مدل سه مرحله‌ای بیان می‌کند که کیفیت یادگیری (یا برآیند خواسته‌شده) تحت تأثیر رویکرد یادگیری دانشجویان است. رویکردی که دانشجو برای یادگیری انتخاب می‌کند، متأثر از این است که دانشجو نیاز به یادگیری را چگونه حس می‌کند و احساس نیاز به یادگیری به نوبه‌ی خود از تجربیات آموزشی پیشین دانشجو و سبک آموزش (مثل برنامه‌ی درسی، فرآیندهای آموزشی و ارزشیابی) تأثیر می‌پذیرد. سرانجام، محققان رویکردهای یادگیری دانشجویان تمایل به کم‌رنگ کردن نقش بهره‌مندی هوشی (توانایی شناختی) و شخصیت فرد یادگیرنده در برآیند یادگیری دارند و به جای آن، بر تجربیات آموزشی پیشین دانشجو و سبک آموزشی انتخاب شده از سوی مربیان یا استادان، تأکید بیشتری بگذارند.

## طبقه‌بندی مدل‌های سبک‌های یادگیری شناختی

طبق نظر فرنهام (۱۹۹۵)، معیارهای سبک یادگیری شناختی به دو دسته‌ی کلی یعنی معیارهای استعداد/ توانایی و معیارهای شخصیت تفکیک می‌شوند. سبک یادگیری شناختی خود می‌تواند از نظر ساختار یا محتوا، یا از نظر فرآیند، و یا از هر دو منظر ساختار و فرآیند، مورد بررسی قرار گیرد (Rinding & Cheema, 1991). وقتی که سخن از بررسی ساختاری است، سبک یادگیری شناختی به‌عنوان یک ساختار به نسبت ماندگار در نظر گرفته می‌شود. در این حالت و در یک موقعیت آموزشی خاص، سبک یادگیری شناختی نمایانگر ویژگی‌های

## نمایشگر ۲- مدل مفهومی آگاه شدن، پردازش و محصول (سه مرحله‌ای) درباره‌ی یادگیری دانشجویان



منبع: داف (۲۰۰۴) به نقل از رامسدن (۱۹۹۲)

### مدل یادگیری تجربی

این مدل که متعلق به کلب (Kalb) (۱۹۷۶) است، یادگیری را به جای نتایج، با توجه به فرایندها توصیف می‌کند. به عبارتی، مدل یادگیری تجربی یکی از مدل‌های پردازش شناختی اطلاعات است که بر سازماندهی و پردازش اطلاعات تأکید می‌کند. مدل یادگیری تجربی، چهار مرحله دارد: (۱) تجربه‌ی عینی، (۲) مشاهده و عکس‌العمل (تفکر)، (۳) ایجاد و تعمیم مفاهیم انتزاعی (مفهوم‌سازی)، و (۴) آزمون این مفاهیم در موقعیت‌های جدید (عمل)، مراحل مذکور، باعث کسب تجربیات عینی بیشتری می‌شود. هر یک از این مراحل را می‌توان به عنوان یک سطح توانایی جداگانه در نظر گرفت. با وجود این که یک یادگیرنده (دانشجو) ایده‌آل دارای ظرفیت‌هایی برای پرداختن به هر چهار مرحله است، اکثر دانشجویان یک یا چند مرحله را ترجیح می‌دهند.

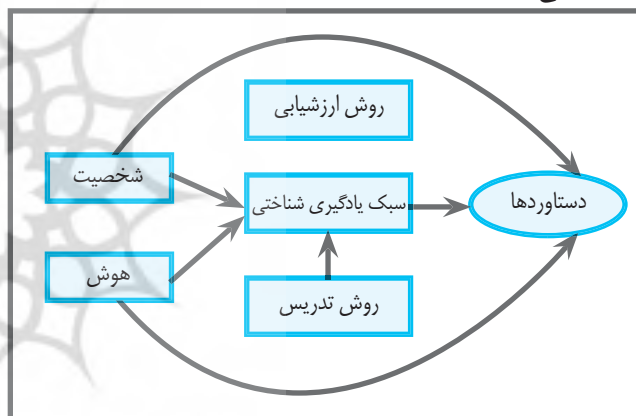
پرسش‌نامه‌ی سبک یادگیری کلب، چهار سبک یادگیری شامل عمل‌گرا، تأملی، روشمند (نظریه‌گرا) و شهودی را به رسمیت می‌شناسد. برخی از پژوهش‌ها که با استفاده از این پرسش‌نامه‌ی سبک یادگیری انجام گرفته‌اند نشان داده‌اند که مقیاس‌های تأملی-شهودی ارتباط زیادی به افراد برون‌گرا دارند. این امر، گواه این است که عمل یادگیری زیرمجموعه‌ی شخصیت است.

### تحلیل سبک‌های شناختی

دستاورد تحلیل سبک‌های شناختی که توسط راین‌دینگ (۱۹۹۱) ارائه شد، انعکاسی از پژوهش‌های اولیه‌ی مدل‌های سبک یادگیری شناختی است. تحلیل سبک‌های شناختی عناصر، نظریه‌ی سبک را در یک مدل سبک یادگیری شناختی ترکیب و تلفیق می‌کند. الگوی راین‌دینگ، از دو بُعد اصلی سبک تشکیل شده است:

فردی دانشجو است. وقتی سخن از بررسی سبک شناختی یادگیری به‌عنوان یک فرآیند مطرح می‌شود کانون توجه معطوف به این امر است که چگونه می‌توان سبک یادگیری شناختی دانشجویان را تغییر داد. محققان پیشین که از مدل‌های فرایند محور سبک یادگیری شناختی استفاده کرده‌اند سبک یادگیری را پویا و تربیت‌پذیر فرض نموده‌اند که می‌توان با دخالت در آن، به کاهش ضعف‌ها و افزایش نقاط قوت موجود پرداخت. برخی دیگر از محققان که سبک یادگیری شناختی را از هر دو منظر ساختار و فرایند مورد بررسی قرار داده‌اند سبک یادگیری را پایدار، اما قابل تغییر فرض کرده‌اند. در بخش بعدی این مقاله، مدل‌های سبک یادگیری و معیارهای مرتبط با هر یک از مدل‌ها به همراه ویژگی‌های روانشناسی آن‌ها بیان می‌شود. هدف از این کار، شناخت قابلیت‌های هر یک از مدل‌ها برای استفاده در تحقیقات آتی آموزش حسابداری است.

## نمایشگر ۱- ارتباط شخصیت، هوش و سبک‌های یادگیری شناختی



منبع: داف (۲۰۰۴) به نقل از فورن هام (۱۹۹۵)

### مدل‌های پردازش شناختی اطلاعات

سبک پردازش اطلاعات، یک رویکرد فردی برای جذب یا فهم اطلاعات است. افزایش توانایی افراد برای جذب، پردازش و واکنش نسبت به اطلاعات فزاینده، یکی از ابعاد اصلی پردازش شناختی اطلاعات است. نمونه‌هایی از مدل‌های پردازش شناختی اطلاعات عبارتند از مدل یادگیری تجربی کلب، تحلیل سبک‌های شناختی، شاخص نوآوری و سازگاری کرتون و شاخص سبک‌های شناختی رایدینگ، اسمیت و سالدر بر این باورند که مدل‌های پردازش شناختی به دو دسته‌ای کلی قابل تفکیک هستند، مدل‌هایی که بر چگونگی ارائه‌ی اطلاعات تأکید دارند و مدل‌هایی که چگونگی سازماندهی و پردازش اطلاعات را بررسی می‌کنند.

## کاربرد اولیه‌ی مدل‌های پردازش شناختی اطلاعات در آموزش حسابداری

مریجان و استادان حسابداری نسبت به تعیین توان بالقوه‌ی مدل یادگیری تجربی کلب بسیار تمایل نشان داده‌اند. برای نخستین بار، گول (Gul) (۱۹۸۸) نظریه‌ی نوآوری-سازگاری کرتون را در آموزش حسابداری به کار برد. وی ۲۶ دانشجوی استرالیایی در مقطع کارشناسی حسابداری را انتخاب کرد و گزارش کرد که اکثریت آنها سازگارند.

ولک و کاتز (Wolk & Cates) (۱۹۹۴)، پژوهشی با هدف بررسی تفاوت‌های حل مشکل از نمونه‌های ۱۴۷ نفری، متشکل از ۳۹ دانشجوی حسابداری و ۱۱۸ دانشجوی مدیریت بازرگانی، انجام دادند. یافته‌های آنان حاکی از این بود که دانشجویان حسابداری، نسبت به دانشجویان بازرگانی سازگارترند.

ولک و همکاران (۱۹۹۷) در پژوهشی از ۸۲ مربی و استاد حسابداری، دریافتند مریجان و استادان بیشتر از سبک سازگاری استفاده می‌کنند تا سبک نوآوری.

در پژوهش کرتنباخ و سویینی که از ۱۴۵ دانشجوی حسابداری در آمریکا انجام شد، نتایج پژوهش‌های قبلی مبنی بر سازگار بودن دانشجویان حسابداری، تأیید شد. (kurtenbach & Sweeney, ۱۹۹۷)



### آموزش حسابداری باید

با توجه به

تفاوت‌های فردی در

سبک تصویری-شفاهی تعدیل شود

این تعدیل با اتخاذ راهبردهای آموزشی و

یادگیری متناسبی همراه است که

عملکرد یادگیری را تقویت می‌کند و

توانایی دانشجو در

آموختن چگونه یاد گرفتن

را افزایش می‌دهد

۱) سبک کل‌گرای-تحلیلی: که در آن افراد تمایل دارند اطلاعات را به شکل کلی (کل‌گرای) و یا به صورت اجزای سازنده‌ی آن (تحلیلی) پردازش کنند.

۲) سبک تصویری-شفاهی: که در آن یک فرد می‌تواند اطلاعات را به صورت شفاهی یا تصاویر ذهنی ارائه دهد.

تحلیل سبک‌های شناختی، هردو گروه کلی مدل‌های پردازش شناختی اطلاعات را اندازه‌گیری می‌کنند، به این صورت که بُعد کل‌گرای-تحلیلی، ابزاری جهت سازماندهی و پردازش اطلاعات و بُعد تصویری-شفاهی ابزاری جهت ارائه‌ی اطلاعات است. رایندینگ (۱۹۹۷ و ۲۰۰۱) پس از تهیه نوار مغزی، چنین باور دارد که هر دو سبک فوق‌الذکر، منشأ کالبدشناسی یا فیزیولوژی دارند.

## شاخص سبک‌های شناختی

شاخص سبک‌های شناختی، یکی از مدل‌های سبک یادگیری شناختی است که توسط آلین سون و هایس (Allinson & Hayes) (۱۹۹۶) مطرح شده است. این مدل تنها بر بُعد شهودی-تحلیلی متمرکز است. بُعد کل‌گرای-تحلیلی در مدل تحلیل سبک‌های شناختی مرتبط با بُعد شهودی تحلیلی در مدل شاخص سبک‌های شناختی است.

شهودگرایی واکنشی آنی است که بر مبنای هیجان‌ها و احساسات شکل می‌گیرد و تحلیل‌گرایی قضاوتی بر مبنای عقل و منطق است. بُعد شهودی-تحلیلی، ابزاری جهت سازماندهی و پردازش اطلاعات است. آلین سون و هایس اظهار می‌کنند شهودگرایی یک ویژگی است که تشخیص آن در نیم‌کره‌ی راست مغز صورت می‌گیرد و اشاره به قضاوت آنی بر مبنای هیجان‌ها و احساسات و اتخاذ یک دید کلی (کل‌گرای) دارد. تحلیل‌گرایی از ویژگی‌های نیم‌کره‌ی چپ مغز است و اشاره به قضاوت بر مبنای استدلال‌های عقلی و تمرکز بر جزئیات دارد.

## شاخص ابداع و سازگاری کرتون

کرتون (kirton) (۱۹۷۴ و ۱۹۹۴) بر این باور است که سبک شناخت، با راهبرد شناختی فرد در واکنش به تغییر ارتباط دارد. این چنین راهبردهایی با خلاقیت، توانایی حل کردن مسئله و تصمیم‌گیری همراه هستند. بُعد دوقطبی کرتون، یعنی نوآور-سازشگر در طی زمان ثابت‌اند. افراد سازگار به "انجام دادن بهتر کارها" تمایل دارند، در حالی که افراد نوآور به "انجام دادن کارها به روشی متفاوت" تمایل دارند. به همین جهت در هنگام حل کردن مسائل، افراد سازگار "موقعیت‌های سازمان‌یافته"، ولی افراد نوآور، "موقعیت‌های سازمان‌نیافته" را ترجیح می‌دهند.

## مدل‌های شناختی پردازش اطلاعات: پیشنهادهایی برای مربیان و استادان حسابداری

از میان مدل‌های پیش‌گفته، مدل کلب بیش از سایر مدل‌ها مورد استقبال پژوهشگران حسابداری قرار گرفته است.

جای بسی شگفتی است که هیچ یک از دو مدل تحلیل سبک‌های شناختی و شاخص سبک‌های شناختی، از سوی مربیان و استادان حسابداری به‌کارگرفته نشده است. مفهوم سبک شناختی رابندینگ، برای مربیان و استادان حسابداری در برگیرنده‌ی دو توصیه است:

توصیه‌ی (۱): آموزش حسابداری باید با توجه به تفاوت‌های فردی در سبک تصویری-شفاهی تعدیل شود. این تعدیل با اتخاذ راهبردهای آموزشی و یادگیری متناسبی همراه است که عملکرد یادگیری را تقویت می‌کند و توانایی دانشجو در "آموختن چگونه یاد گرفتن" را افزایش می‌دهد.

بر خلاف سبک‌های بصری و شفاهی در ارائه‌ی اطلاعات، سبک‌های کل‌گرای (شهودی)-تحلیلی در پردازش اطلاعات، محدودیت‌های اساسی دارند. یک فرد کل‌گرا (شهودی)، یک عکس بزرگ را می‌بیند، اما ممکن است در تشخیص ساختارهای موجود در عکس و مفهوم کلی آن، ناتوان باشد. بر عکس، فردی که سبک تحلیلی (جزء‌نگر) دارد، قسمت‌های خاص و سازنده‌ی عکس را به‌خوبی تشخیص می‌دهد، ولی ممکن است در درک مفهوم کلی عکس ناتوان باشد. برای حمایت از سبک کل‌گرای (شهودی)، مربی یا استاد باید در جریان یادگیری روشی کاملاً سازمان‌یافته را اتخاذ کند و روابط میان مفاهیم را توضیح دهد. به این صورت، دید کلی دانشجویان در پردازش اطلاعات تعدیل می‌شود.

توصیه‌ی (۲): آموزش حسابداری باید با توجه به تفاوت‌های فردی در سبک تحلیلی-شهودی تعدیل شود. این تعدیل، با به‌کارگیری راهبردهای آموزشی و یادگیری متناسب است که عملکرد یادگیری را تقویت و توانایی دانشجو در "آموختن چگونه یاد گرفتن" را افزایش می‌دهد.

سبک‌های سازشگری (تحلیلی) و نوآوری (شهودی) نیز در موقعیت‌های یادگیری، مزایا و محدودیت‌های خاص خود را دارند. گری و رونی (Geary & Rooney) (۱۹۹۲) آن مقدار از متون آموزش حسابداری را که در فرایند یادگیری استفاده می‌شود، بررسی کردند و دریافتند که آموزش حسابداری به صورت تاریخی به جای تفکر شهودی‌گرا مبتنی بر تفکر احساس‌گرا است. بنابراین، اگر مربیان و استادان حسابداری بخواهند توانایی‌های یادگیری دانشجویان خود را بهبود بخشند باید از مواردی استفاده کنند که در شکل‌گیری

مهارت‌های تفکر شهودی به دانشجویان کمک کنند. از راه روبرو ساختن دانشجویان با مسائل ساخت‌نیافته، تشویق آنان به بررسی مفروضات همراه یک مسئله و ارائه‌ی پارادایم‌های مختلفی که بتوانند یک مورد یا مسأله‌ی خاص را با روشی میان‌بر حل کنند، می‌توان مهارت‌های شهودی‌گرایانه را بهبود بخشید. این ایده، منجر به شکل‌گیری توصیه‌ی سوم می‌گردد:

توصیه‌ی (۳): آموزش حسابداری باید با تفاوت‌های فردی در سبک‌های نوآوری و سازگاری تعدیل شود. این تعدیل با اتخاذ راهبردهای آموزشی و یادگیری متناسب است که عملکرد یادگیری را تقویت و توانایی دانشجو در "آموختن چگونه یاد گرفتن" را افزایش می‌دهد.



## رویکردهای یادگیری دانشجویان

مارتون و سالجو (Morton & Saljo) (۱۹۹۷) در پژوهش‌های خود دریافتند دانشجویان برای خواندن متون علمی، دو رویکرد را انتخاب می‌کنند که عبارت‌اند از رویکرد عمیق و رویکرد سطحی. رویکرد عمیق مستلزم جست‌وجوی مفاهیم و هدف موضوع مورد مطالعه و ارتباط آن با تجربیات و ایده‌های دیگران است. رویکرد سطحی، نشان‌دهنده‌ی وابستگی به یادگیری معمولی و عادی و به‌خاطر سپردن مطالب، بدون توجه به ایده‌های دیگر است. بنابراین، دستیابی به رویکرد عمیق با اهداف صریح تحصیلات عالی سازگار است (Hays et al., 1997). اگر روش عمیق از طرف استاد مربوطه حمایت و تشویق شود، دانشجویان می‌توانند یادگیری‌شان را کنترل و اداره کنند. ارزیابی و سنجش رویکردهای یادگیری دانشجویان، وسیله‌ای است برای (۱) تشویق روش سیستماتیک آموزش‌های دانشگاهی (Katz & Entwistle, 1996)، (۲) کمک کردن به تک‌تک افرادی

که در تحصیل و آموزش دست دارند و می‌خواهند کارایی آموزشی خودشان را کنترل کنند و بهبود بخشند (Richardson, 1990).  
۳) شناسایی دانشجویانی که به خاطر راهبردی نامناسب یادگیری در معرض خطرند (Tait & Entwistle, 1996)، ۴) مشاهده‌ی نتایج (Biggs & Cillis, 1982) و تجربه‌ی یادگیری (Marton, et al, 1984)، و ۵) ارزیابی کیفیت یادگیری دانشجو (Muller & Meye, 1990).

## کاربرد اولیه‌ی پژوهش‌های رویکردهای یادگیری دانشجویان در آموزش حسابداری

رویکردهای یادگیری دانشجویان در آموزش حسابداری، برای اولین بار توسط چو و تن استفاده شده است. در این بررسی که با استفاده از ۷۹ دانشجوی مقطع کارشناسی در استرالیا انجام گرفت، شواهدی به دست آمد که نشان می‌دهد دانشجویان حسابداری در پردازش به روش عمیق نمرات بسیار بالایی گرفتند.

الی در بررسی‌اش از ۶۳ دانشجوی مقطع کارشناسی حسابداری در استرالیا، دریافت که دانشجویان حسابداری در روش سطحی نمرات بالاتری نسبت به دانشجویان علوم و ادبیات انگلیسی کسب کرده‌اند.

گو در بررسی‌اش با استفاده از ۷۹۳ دانشجو در هنگ‌کنگ، نتیجه گرفت که دانشجویان حسابداری تمایل به اتخاذ روش سطحی دارند که می‌توان آن را به عواملی مثل تکالیف زیاد، روش‌های ارزش‌یابی، سبک آموزشی معلم محور و شاغل بودن دانشجویان نسبت داد.

داف در پژوهشی با استفاده از ۱۷۹ دانشجوی حسابداری و ۱۳۷ دانشجوی مدیریت بازرگانی، بیان نمود که رویکردهای یادگیری هر دو گروه، سطحی است. در عین حال، دانشجویان مسن‌تر (۲۵ ساله و بزرگ‌تر) در روش عمیق نسبت به رقبای جوان‌تر خود نمرات بالاتری کسب کردند و همچنین، خانم‌ها نسبت به آقایان بیشتر از روش سطحی استفاده می‌کنند.

## رویکردهای یادگیری دانشجویان: پیشنهادهایی برای استادان حسابداری

به تازگی، کاربرد رویکردهای مربوط به پارادایم‌های یادگیری در آموزش حسابداری گسترش یافته است و همین امر باعث شده است که استادان حسابداری بتوانند درباره‌ی چگونگی یادگیری دانشجویان اطلاعاتی کسب کنند. در قسمت‌های بعدی دو پیشنهاد برای استادان حسابداری ارائه شده است که بتوانند به طور موفقیت‌آمیزی از

مدل‌های رویکردهای یادگیری دانشجویان و مدل سه مرحله‌ای در آموزش‌هایشان استفاده کنند. این پیشنهادها بر دو مورد متمرکزاند. نخست، بهبود رویکردهای آموزشی و دوم، شناسایی دانشجویانی که به خاطر راهبردهای نامناسب یادگیری در معرض خطر عدم موفقیت هستند.

مدل سه مرحله‌ای بر این تأکید دارد که کیفیت پیامدهای یادگیری، به طور مستقیم با روش یادگیری دانشجو ارتباط دارد. شکل‌گیری روش‌های مطلوب و ایده‌آل (مثل روش عمیق)، به جهت‌گیری آگاهانه‌ی دانشجو برای یادگیری و همچنین به سبک یا نحوه‌ی آموزش بستگی دارد. این امر، موجب شکل‌گیری توصیه‌ی چهارم می‌شود.

توصیه‌ی (۴): استادان حسابداری باید بدانند کیفیت یادگیری به طور مستقیم تحت تأثیر رویکردهای یادگیری دانشجویان است و بهبود رویکردهای یادگیری دانشجویان نیز مستلزم آگاهی از همبستگی یادگیری و سبک آموزش است.

اگر چه برخی از متغیرهای محیطی مرتبط مثل نیاز دانشجو به کار نیمه‌وقت، خارج از کنترل استاد است، ولی متغیرهایی مثل روش‌های آموزشی و ارزش‌یابی و حجم کار، توسط استاد مربوط تعیین می‌شود.



## آموزش حسابداری باید

با توجه به

تفاوت‌های فردی در

سبک تحلیلی-شهودی تعدیل شود

این تعدیل

با به‌کارگیری راهبردهای آموزشی و

یادگیری متناسب است

که عملکرد یادگیری را تقویت و

توانایی دانشجو در

آموختن چگونه یاد گرفتن

را افزایش می‌دهد

ارزش‌یابی، یکی از مهم‌ترین متغیرهای مرتبط با سبک آموزش است که بر روش یادگیری دانشجو تأثیر می‌گذارد (Tang, 1988). استادان حسابداری باید به دنبال به‌کارگیری روش‌هایی باشند که به جای ارزش‌یابی مجزای میزان یادگیری، کیفیت ساختاری و منسجم یادگیری را ارزیابی کنند. برای مثال، سؤالات چندگزینه‌ای و تشریحی که در آن به جواب‌های صحیح و به هر قسمت از معلومات درست، نمره داده می‌شود باعث شکل‌گیری راهبردها حفظ کردن و یادگیری متداول و عادی می‌شود (روش سطحی). یا پروژه‌های ارزش‌یابی شونده‌ی گام به گام، تنوع در یادگیری، و سؤالات تشریحی، باعث تشویق دانشجوین به نشان دادن کیفیت و یکپارچگی یادگیری‌شان می‌شود و در پی آن، دست‌یابی به رویکرد عمیق آسان‌تر می‌گردد. از طریق به‌کارگیری ابزارهای تشخیصی رویکردهای یادگیری دانشجوین می‌توان فهمید که موفقیت تحصیلی با استفاده از روش‌های عمیق و روش راهبردی، مؤلفه‌های سازنده‌ی یادگیری مؤثر به‌شمار می‌آیند. این مفهوم، مشابه‌ی طبقه‌بندی جانسن (Jonsen, 1996) است. دانشجوی موفق، از نظر جانسن کسی است که روش عمیق و راهبردی را به کار گیرد. برعکس، دانشجوینانی که در رویکرد سطحی نمرات بالایی می‌گیرند، دانشجوین ناتوان یا



دانشجوین در معرض خطر عدم موفقیت هستند. این مورد، باعث شکل‌گیری توصیه‌ی پایانی مقاله می‌شود:

توصیه‌ی (۵): استادان حسابداری با به‌کارگیری اقدامات سنجشی رویکردهای یادگیری دانشجوین، می‌توانند دانشجوینانی را که راهبردهای یادگیری نامؤثری دارند، شناسایی کنند و در جهت بهبود عملکرد یادگیری آنان اقدامات لازم را انجام دهند.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

استادان و پژوهشگران آموزش حسابداری از سبک یادگیری شناختی و ابزار آن استفاده‌ی کامل نکرده‌اند و هیچ‌گونه تلاش گروهی جهت توضیح، تبیین و تحقیق سبک یادگیری شناختی در حوزه‌ی آموزش حسابداری انجام نگرفته است. آن دسته از مربیان و استادان حسابداری که سبک‌های یادگیری را به‌کار می‌گیرند نگران تعاریف گیج‌کننده، ضعف‌های موجود در اعتبار و روایی اندازه‌گیری و همچنین شناسایی خصوصیات مرتبط با دانشجوین و فضاهای آموزشی‌اند (Curry, 1991).

مقاله‌ی حاضر که یک بررسی اجمالی از مجموعه‌ی متون مرتبط است، حاکی از آن است که اکثر پژوهش‌های سبک یادگیری شناختی در آموزش حسابداری فاقد یک پایگاه نظری منسجم است. دو مدلی که برای پژوهشگران آموزش حسابداری نویدبخش هستند عبارت‌اند از مدل فرنیام (مدل‌های پردازش شناختی اطلاعات) و رامسندن (رویکردهای یادگیری دانشجوین). در هر یک از این مدل‌ها تلاش می‌شود تا خصوصیات فردی و تجربه‌ی طریق یادگیری به هم ربط داده شود و موفقیت و عملکرد، توضیح داده شود. یک نکته‌ی مهم این است که پژوهشگران رویکردهای یادگیری دانشجوین به عملکرد به‌عنوان کیفیت یادگیری نگاه می‌کنند، نه به عنوان نمره‌ی خامی که در یک امتحان به‌دست آمده است. بیٹی (Beattie, 1997) اظهار داشت که حسابداری دانشجوینانی را جذب می‌کند که پشتکار و خلاقیت به نسبت بالایی دارند و این بدان معنی است که امکان دارد استادان حسابداری یک روش یادگیری را یک خصلت شخصیتی بدانند که ثابت و به نسبت پایدار است. البته، شواهد تجربی ثابت کرده‌اند که روش‌های یادگیری پویا است و در خلال دوره‌ی مطالعه یا تحصیل دانشجو تغییر می‌کند (Zeegers, 2001). بررسی و کاربرد عملی اصول سبک یادگیری شناختی مستلزم تحقیقات بیشتری است. برای مثال، آیا سبک یادگیری شناختی با هر وسیله‌ای اندازه‌گیری و سنجیده می‌شود؟ آیا وقتی با پیش‌بینی‌کننده‌های دیگری مثل

شخصیت، قدرت شناخت، متغیرهای انگیزشی مثل سن، جنس یا تجارب آموزشی دیگر ترکیب شود، می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ی مفیدی برای عملکردهای تحصیلی یا شغلی باشد؟

مقاله‌ی حاضر بین‌الگوهای مختلف سبک یادگیری آموزشی یعنی مدل‌های پردازش شناختی اطلاعات و رویکردهای یادگیری دانشجویان و مدل سه مرحله‌ای تمایز قایل شده است. ذکر این نکته‌ی مهم ضروری است که پژوهش‌های رویکردهای یادگیری دانشجویان و مدل سه مرحله‌ای، مکملی برای مدل‌های پردازش شناختی اطلاعات هستند. مدل‌های پردازش شناختی اطلاعات بر چگونگی ارائه، پردازش و سازماندهی اطلاعات تأکید دارند و مدل رویکردهای یادگیری دانشجویان ماهیت و فلسفه‌ی یادگیری و کیفیت پیامدهای یادگیری را بررسی می‌کند.

پژوهش‌های رویکردهای یادگیری دانشجویان بر خلق محیطی آموزشی متمرکز است. محیط آموزش و یادگیری و امتحان گرفتن، دانشجویان را تشویق می‌کند که راه‌های متناوبی را اتخاذ کنند و مهارت‌های فکری‌شان را بهبود بخشند.

برای بهبود توانایی‌ها و استعدادهاى دانشجویان (آموختن چگونه یاد گرفتن)، استادان حسابداری باید از پارادایم‌های رویکردهای یادگیری دانشجویان و مدل‌های پردازش شناختی اطلاعات استفاده کنند. پژوهش‌های رویکردهای یادگیری دانشجویان که از ریشه‌های پدیدشناسی کلاس‌های دانشگاهی است، بین کیفیت پیامدهای یادگیری تفاوت قائل می‌شود، لذا صرفاً بر روی عملکرد خام تحصیلی تأکید می‌کند. پارادایم مدل‌های پردازش شناختی اطلاعات به استادان حسابداری کمک می‌کند که چگونگی ارائه، سازماندهی و پردازش اطلاعات توسط یک یادگیرنده (دانشجو) را درک کنند و توانایی‌های آنها را به هنگام روبرو شدن با مشکلات سازمان یافته و سازمان نیافته، شناسایی کنند. استادان حسابداری تنها وقتی که درک و فهم درستی از مفاهیم سبک یادگیری شناختی داشته باشند، می‌توانند به مرور زمان توانایی‌های یادگیری دانشجویان خود را تحقق بخشند.

منبع:

Duff, Angus. (2004), "The role of cognitive learning style in accounting education : developing learning competencis", Journal of Accounting Education, Ed .22, PP : 29-52 .

نرم افزارهای یکپارچه مالی اداری

کاکتوس

ابزاری کارآمد در دست مدیران

کاکتوس  
CACTUS

- حسابداری
- انبارداری
- خرید و فروش
- چک
- صندوق
- حقوق و دستمزد
- صنعتی
- دبیرخانه
- بخش مویری
- وام و صندوق قرض الحسنه
- تعاونی مسکن و سهام
- پیمانکاری
- حق العمل کاری
- حمل و نقل باری
- انبارهای عمومی
- سرویس مشتری
- بانک اطلاعاتی مؤسسات و اشخاص

تحت انواع ویندوز و شبکه SQL Server

یکپارچه سازی اطلاعات بین مناطق  
مختلف جغرافیایی (Replication)

شرکت کاکتوس کامپیوتر

۸۸۴۴۴۲۱۹-۸۸۴۲۷۱۳۰ ☎

۰۹۱۲۳۲۲۳۸۰۳

تهران، سهروردی شمالی، مقابل پمپ بنزین، ✉

پلاک ۳۱۷، طبقه هفتم، واحد شرقی

[www.cactus.ir](http://www.cactus.ir)